

کام ایر کام ایر بزرگترین شرکت هوایی خصوصی کشور در خدمت شما میباشد

بالمهای مطمئن

مهمانداران داخلی و خارجی

شبکه وسیع پروازهای داخلی و خارجی

طیارات مدرن

خدمات عالی

4422 +93799974422 (داخلی) (خارجی)

www.kamair.com

helpdesk@kamair.com

kamair

صدای مردم افغانستان هفته نامه

سال ششم / شماره ۲۴۱ / یکشنبه / ۳ سنبله ۱۳۹۸

Sun / 25 August, 2019 / Vol 06 / No. 241

پارادوکس صلح و انتخابات؛ افغانستان به کدام سو روان است؟



صفحه ۱

خبر

وزارت معارف طرح رشته بندی دوره ی لیسه ی مکاتب را به نظر سنجی گذاشت

وزارت معارف کشور به تازه گی طرح رشته بندی دوره ی لیسه ی مکاتب به دو رشته ی «علوم اجتماعی» و «علوم ساینسی» را به نظر سنجی گذاشته است. در اعلامیه ی این وزارت که دیروز (شنبه، ۲ سنبله) منتشر شده، آمده است که این طرح به منظور آموزش تخصصی دانش آموزان پیشنهاد شده است. به نقل از اعلامیه، در حال حاضر تمام دانش آموزان مکاتب تعلیمات عمومی براساس یک نصاب آموزشی واحد از صنف اول الی دوازدهم آموزش می بینند.

وزارت معارف کشور در این مورد سه پرسش مطرح کرده و از تمامی صاحب نظران، استادان، آموزگاران، محققان، نویسندگان و دیگر فعالان عرصه ی آموزش و پرورش خواسته است که نظریات شان را با پاسخ به این پرسش ها با وزارت معارف شریک کنند. سه سوال مطرح شده از سوی وزارت معارف: آیا رشته بندی از نظر علمی و نتایج تجربیات سایر کشورها درست است؟ آیا رشته بندی در شرایط فعلی افغانستان قابل تطبیق می باشد؟ آیا مناسب است که تعلیمات عمومی در دوره ی ثانوی (دوره ی لیسه) به رشته های ساینس و اجتماعیات تجزیه شود؟. گفتنی است که وزارت معارف پیش از این نیز یک طرح و یک مسوده از جمله «طرح بدیل درجه بندی دانش آموزان در مکاتب» و «مسوده ی پالیسی تکنالوژی معلوماتی در آموزش و پرورش» را به نظر سنجی گذاشته بود که در این میان طرح بدیل درجه بندی دانش آموزان در مکاتب را عملی کرده است.

طالبان یک دختر و پسر جوان را به جرم فرار از منزل در فاریاب شلاق زدند

منابع امنیتی در ولایت فاریاب می گویند، که طالبان یک دختر و پسر را به جرم فرار از منزل در این ولایت شلاق زده اند. عبدالکریم یورش، سخن گوی فرماندهی پولیس فاریاب به روزنامه اطلاعات روز گفته است، که دختر ۱۷ ساله به نام زهرا دو شب پیش (جمعه، ۱ سنبله) از روستای «لولاش» ولسوالی کوهستان این ولایت فرار و به خانه ی یک پسر ۲۰ ساله به نام محمدرفیق در ولسوالی المار رفته است. آقای یورش گفته است، که این دختر و پسر پیش از این نیز ارتباط تلفنی داشته اند. به گفته ی او، دختر یاد شده با فرد دیگری نیز نامزد بوده است. طالبان با آگاه شدن از این موضوع دختر و پسر را بازداشت و صبح دیروز (شنبه، ۲ سنبله) در یک دادگاه صحرائی در روستای «قویی» ولسوالی المار هر کدام را پنجاه شلاق زده اند. به گفته ی سخن گوی پولیس فاریاب، این رویداد در ساحه ی تحت حاکمیت گروه طالبان رخ داده است. ولایت فاریاب در شمال کشور از ولایت های ناامن به حساب می آید که گروه طالبان در بخش هایی آن حضور و فعالیت گسترده ی تروریستی دارد. دادگاه صحرائی نیز از روش هایی است که همواره از سوی طالبان در این ولایت عملی می شود.

از حضور راهول گاندی رهبر حزب کنگره هند در کشمیر جلوگیری شد

به نقل از بی بی سی؛ راهول گاندی، رهبر حزب کنگره هند، از احزاب مخالف و اصلی دولت که قرار بود از کشمیر (تحت کنترل) هند دیدار کند، وارد سینگر پایتخت تاستانی ایالت جامو و کشمیر شد اما اجازه خروج از فرودگاه را نیافت. چندی پیش هند خودمختاری این ایالت را لغو کرد. اصل ۳۷۰ قانون اساسی هند، به ایالت جامو و کشمیر هند نوعی خودمختاری می داد، بطوری که این ایالت به جز در مسائل روابط خارجی، دفاعی و ارتباطات و مخابرات که در کنترل دولت مرکزی هند بود، قانون اساسی مستقل و پرچم خودش را داشت و آزاد بود قانون وضع کند. حدود سه هفته پیش دولت هند در اقدامی غیر منتظره این اصل را لغو کرد. آقای گاندی می خواست برای بررسی وضعیت امنیتی در کشمیر هند از این ایالت دیدار کند. تماس با بخش های از جامو و کشمیر شدیداً محدود شده است و از زمانی که دولت هند در اقدام مناقشه آمیز خود خودمختاری کشمیر هند را لغو کرد، شمار زیادی از نیروهای امنیتی در این منطقه مستقر شده اند. تصمیم دهلی برای لغو خودمختاری جامو و کشمیر تنش ها را با پاکستان همسایه مرزی آن افزایش داده است. در پی این اقدام هند، پاکستان سفیر هند را اخراج کرد و روابط تجاری و ترانزیتی خود با هند را متوقف کرد. همچنین پاکستان گفته است، خود را آماده می کند که شکایتی در این باره به دیوان بین المللی دادگستری در لاهه هلند تسلیم کند. وزیر خارجه پاکستان تصریح کرده که ادعای اسلام آباد مبنی بر «نقض حقوق بشر توسط دولت هند» در کشمیر که اکثریت آن مسلمان اند را محور شکایت خود به دادگاه لاهه قرار خواهد داد. اتهامی که هند آن را رد می کند.

نوبت به مردم رسیده است، مردم باید انتخاب کنند

اسحق علی احساس
در شرایطی که طرف های درگیر جنگ افغانستان، بر سر چگونگی صلح و تشکیل ساختار سیاسی در آینده، بساط گفت و گو پهن کرده اند، حکومت افغانستان مقدمات برگزاری انتخابات ریاست جمهوری را می چیند و تلاش دارد، مردم را برای شرکت در انتخابات تشویق و ترغیب کند. بنابراین مردم افغانستان در میان دو رخداد قریب الوقوع قرار گرفته اند؛ در یک طرف حرف از توافق احتمالی صلح میان نمایندگان امریکا و طالبان است و در طرف دیگر سرنوشت انتخابات به عنوان تنها مکانیزم انتقال مسالمت آمیز قدرت. در همین رابطه چند نکته حایز اهمیت است، که در ادامه به آن ها اشاره می شود: اول: از چند ماه به این طرف، حکومت و نهادهای برگزارکننده ی انتخابات، به ابتدایی ترین ناظر نگرانی های نهادهای طرف های انتخاباتی، رأی دهندگان و دسته های ظاهرین توجه نکرده اند. ظاهرین برای رهبری حکومت و گردانندگان نهادهای برگزارکننده ی انتخابات، پرونده ی جنجالی انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۴ هرگز مسئله نیست و مسوولان برای احیای اعتبار نهادهای انتخاباتی علاقوی آن چنانی ندارند. اکنون که آخرین فرصت های لازم در حال سپری شدن و از دست رفتن است، اگر جانب حکومت و نهادهای برگزارکننده ی انتخابات اراده ی واقعی و جدی برای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در وقت تعیین شده ی آن را دارند، باید به دغدغه ها و نگرانی های طرف های درگیر در انتخابات توجه کنند و زمینه های برگزاری انتخابات شفاف، فراگیر و قابل قبول برای طیف های دخیل در این پروسه را به وجود بیاورند. در غیر این صورت، انتخابات به تحکیم پایه های نظام جدید نمی انجامد،

(ادامه در صفحه ۳)

جشن استقلال زیر سایه ی ناامنی و جنگ



صفحه ۲

«شروع مذاکرات غیر مستقیم بین وزرای خارجه ی افغانستان و پاکستان»



صفحه ۳

صلح و انتخابات؛ دو روایت متفاوت از وضعیت سیاسی افغانستان



صفحه ۴



کپ مردم

صلح و انتخابات؛ دو روایت متفاوت از وضعیت سیاسی افغانستان

امروز (یکشنبه، ۳ سنبله)، بیست‌وهشتمین روز کارزارهای انتخاباتی است. با این حساب چیزی نزدیک به یک‌ماه تا تاریخ برگزاری انتخابات زمان باقی مانده است؛ اگر اتفاق غیرعادی رخ ندهد، مطابق به تقویم اعلان‌شده از سوی کمیسیون انتخابات، در تاریخ ششم ماه آینده (میزان)، مردم افغانستان چهارمین انتخابات ریاست‌جمهوری‌شان را تجربه خواهند کرد و با آرای‌شان حکومت و دولت جدیدی را روی کار خواهند آورد. این در حالی است، که تا هنوز هم بازار کارزارهای انتخاباتی کم‌رمق و سرد است و به استثنای دو تکت شریک در حکومت، دسته‌های انتخاباتی دیگر با بی‌علاقگی، شک و تردید انتخابات ریاست‌جمهوری را دنبال می‌کنند. رأی‌دهندگان نیز در چنین وضعیتی قرار دارند؛ فضای آشفته‌ی سیاسی، تقابل دو پروسه‌ی صلح و انتخابات، رفتارهای استفاده‌جویانه‌ی رهبری حکومت از امکانات دولتی در راستای مبارزات انتخاباتی و موضع دوگانه‌ی جامعه‌ی بین‌المللی در قبال انتخابات، شهروندان افغانستان را بر سر دوراهی صلح و انتخابات قرار داده است.

بنابراین، دو روایت کاملن متناقض و متفاوت از فضای سیاسی-اجتماعی کشور وجود دارد. در روایت اول حکومتی دیده می‌شود، که با استرس و نگرانی بسیار مقدمات برگزاری انتخابات را می‌چیند و با نگاه حسادت‌برانگیز به تلاش‌های آشتی‌جویانه می‌نگرد. در این روایت، مردم و قشر سیاسی دو دل اند و نسبت به وعده‌های رهبری حکومت مشکوک و بی‌اعتماد. این مردم از یک‌سو نگران آینده‌ی ارزش‌ها و دست‌آوردهای اند، که در هژده‌سال گذشته با خون دل به‌دست آورده و در این مدت برای حفظ آن بهای فراوانی داده‌اند، از جانب دیگر زنجیره‌ی قتل و کشتار و تکرار روزهای ظلمانی و دشوارگذر دمار از روزگارشان درآورده و آنان زخم‌خورد و آسیب‌دیده نیم‌نگاهی به پروسه‌ی صلح دارند، تا شاید این موج‌های نفی‌کننده‌ی زندگی و این جنون انسان‌کشی و خون‌ریزی با امضای توافق‌نامه‌ی صلح کمی فرو بنشینند و آنان چند شب‌روز نفس راحت بکشند. در چنین فضایی، شاید مردم حق دارند، نگران سرنوشت‌شان باشند.

در روایت دوم، قهرمان داستان، گروهی است، که سنگ جهاد و مبارزه برای آزادی دین و وطن را به سینه می‌زنند و در مقابل‌شان کشوری قرار دارد، که در هژده‌سال گذشته با همکاری کشورهای پیمان‌ناو و جامعه‌ی بین‌المللی در برابر آنان جنگیده و از طرفی بانی و بنیان‌گذار ارزش‌های در افغانستان است، که ما آن‌را بنام مردم‌سالاری و دموکراسی می‌شناسیم. در این روایت، صلح نیاز اول ساکنان این سرزمین است و زمان هم به لحاظ تاریخی حساس و سرنوشت‌ساز. اما آن‌چه این روایت را ناتمام و تاریک نشان می‌دهد، جریان گفت‌وگوها و مذاکراتی است، که از هشت‌ماه به این طرف میان نمایندگان امریکا و هیأت‌گفت‌وگوکننده‌ی طالبان از یک‌سو و قشر سیاسی افغانستان با نمایندگان طالبان از جانب دیگر ادامه داشته است. با همه‌ی این موارد، اما شهروندان افغانستان در جایگاه صاحبان پروسه‌ی صلح، از ابتدایی‌ترین جزئیات این گفت‌وگوها بی‌خبر اند؛ گفت‌وگوهای که هر روز جدی‌تر، طولانی‌تر و پیچیده‌تر شده می‌رود اما بر میدان جنگ اثری نداشته و جزئیات آن هم چنان مبهم و نامعلوم است.

در چنین یک‌وضعیتی، سخت است، پیش‌بینی شود، که چه اتفاقی رخ خواهد داد و مردم افغانستان به استقبال کدام پروسه خواهند رفت و در نهایت کدام یکی از این دو پروسه، ساکنان این سرزمین را در ادامه‌ی راه به عنوان یک کشور پیش رو و مدرن یاری خواهد کرد. تجربه‌ی کشورهای پسا‌منازعه‌ی اما نشان می‌دهد، که ارزش‌های چون انتخابات و حق انتخاب، هرچند که با شفافیت و استندردهای لازم به همراه نباشد، هیچ بدیلی ندارد و هر گذار سیاسی باید از همین مسیر عبور کند. از این منظر اگر نگاه کنیم، کار عاقلانه این است، که حکومت افغانستان از آخرین فرصت‌های لازم استفاده کرده و در اعتمادسازی نسبت به پروسه انتخابات تلاش کنند و مردم افغانستان نیز موضع‌شان را روشن ساخته و برای حفظ و نهادینه‌کردن انتخابات به‌عنوان اساسی‌ترین اصل دموکراسی و مردم‌سالاری به صحنه بیایند و نقش‌شان را ایفا کنند.

پارادوکس صلح و انتخابات؛ افغانستان به کدام سو روان است؟

محمد نسیم نظری



به نظر می‌رسد که افغانستان در حال حاضر سخت‌ترین شرایط سیاسی و امنیتی خویش را به تجربه نشسته است. مردم افغانستان از یک‌سو با حکومتی مواجه‌اند، که نه توان مدیریت کشور را داشته و نه مشروعیت لازم برای بقا را دارد و از سوی دیگر با گروه دهشت‌افگنی چون طالبان طرف هستند، که کم‌ترین احترامی به حقوق بشر و کرامت انسانی نداشته و با تمام وجود در تلاش نابودی بنیادهای نیم‌بند دموکراسی و آزادی‌های مدنی در افغانستان می‌باشد. در چنین فضای پیچیده و ابهام‌آمیز، به نظر می‌رسد که تنها راهکار معقول، رسیدن به اجماع سیاسی از طریق گفت‌وگوهای بین‌الافغانی است. گفت‌وگوهای که می‌تواند مسیرهای مشترک ملی را در سطوح مختلف فراهم ساخته و با استفاده از ظرفیت‌های داخلی و حمایت برخی کشورهای کمک‌کننده، زمینه‌های جنگ و خشونت را به فرصت‌های مهم ملی تبدیل نماید.

در این میان اما گروه طالبان تا کنون (پس از هشت‌دور مذاکره) از موضع اصلی‌شان عقب‌نشینی نکرده و روی جدول زمان‌بندی خروج نیروهای خارجی از کشور تأکید دارند. در تازه‌ترین گزارش‌های منتشرشده از سوی این گروه، برگزاری انتخابات به‌عنوان خط سرخ این گروه بوده و به معنای ادامه جنگ و خشونت در افغانستان تلقی می‌شود. هم‌چنان این گروه بارها از گفت‌وگوهای مستقیم با نمایندگان حکومت طفره رفته و آنان را شایسته‌ای این گفت‌وگوها نمی‌داند. گروه طالبان همواره از نقش کلیدی امریکا در قضایای افغانستان نام برده و حکومت‌های مستقر در کابل را دست‌پرورده‌ی امریکا می‌خواند.

در سوی دیگر از مسایل کلان کشور، انتخابات ریاست‌جمهوری است، که بنابر تقسیم‌اوقات زمانی اعلان‌شده از سوی کمیسیون مستقل انتخابات قرار است در ششم میزان سال روان برگزار گردد. تا کنون اما به غیر از چند دسته‌ی انتخاباتی محدود، سایر نامزدان انتخابات ریاست‌جمهوری کارزارهای انتخاباتی‌شان را به‌صورت جدی آغاز نکرده‌اند. کابل، پایتخت کشور بر خلاف انتظار عمومی، مثل همیشه حال و هوای انتخاباتی ندارد. عمده‌ترین نگرانی نامزدان، عدم برگزاری انتخابات و به حاشیه‌رفتن این پروسه برای تأمین صلح در کشور است. شماری از چهره‌های نزدیک به طالبان نیز گفته‌اند، که نمایندگان امریکا این گروه را اطمینان داده، که انتخابات ریاست‌جمهوری در صورت امضای توافق‌نامه‌ی صلح برگزار خواهد شد. کشورهای کمک‌کننده به پروسه‌ی انتخابات و نهادهای ناظر انتخاباتی نیز با بی‌میلی و شک و تردید این روند را دنبال می‌کنند. این نهادها هرازگاهی با تأکید به برگزاری انتخابات به موقع، نگرانی‌شان را از ضعف مدیریتی در ساختار کمیسیون‌های انتخاباتی نیز ابراز داشته و هشدار می‌دهند، که در صورت عدم رسیدگی به ضعف مدیریتی در کمیسیون‌های انتخاباتی خطر آن وجود دارد، که انتخابات پیش رو نیز با سرنوشت انتخابات پارلمانی ۲۸ میزان سال گذشته مواجه گردد. این همه در حالی است، که از ۶ اسد سال روان به این سو مبارزات انتخاباتی به صورت رسمی آغاز گردیده

است. بی‌برنامگی دسته‌های انتخاباتی در تنظیم کارزارها و مبارزات انتخاباتی، عدم تمایل شهروندان به روند انتخابات، نگرانی از به تعویق افتادن انتخابات پیش رو، عدم امنیت مناسب برای دسته‌ها و همایش‌های انتخاباتی، نبود ظرفیت کافی در درون نهادهای انتخاباتی، عدم تمایل نهادهای خارجی به روند انتخابات، نبود بودجه‌ی لازم برای برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری، فقدان نظم مشخص در درون ستادهای انتخاباتی و نبود فضای مناسب برای ابراز برنامه‌ها از سوی تکت‌های انتخاباتی باعث گردیده است، که انتخابات ریاست‌جمهوری پیش رو کندتر و بی‌برنامه‌تر از گذشته دنبال گردد.

عمده‌ترین نگرانی مردم افغانستان در وضعیت کنونی به مذاکرات مبهم صلح به رهبری امریکا بر می‌گردد، که تا کنون پس از نزدیک به ۱۰ ماه، جزئیات مشخصی از آن به بیرون نیامده و به صورت تکراری، دو طرف (نمایندگان امریکا و طالبان) پس از هر دور مذاکرات، گفته‌های قبلی‌شان را بیرون می‌دهند. در چنین وضعیت پیچیده و مبهم، مردم افغانستان نمی‌دانند که با سرنوشت آینده‌ی آنان چگونه و با کدام میکانیزم‌های سیاسی-حقوقی، معامله صورت خواهد گرفت. هراس کلی و نگرانی جمعی امروز مردم افغانستان این است، که نکند امریکا پس از ۱۸ سال حضور در صفوف نظامی و امنیتی کشور، یک‌باره افغانستان را ترک گفته و تمامی دست‌آوردهای اخیر که با قربانی‌های بی‌شمار به دست آمده است را رها ساخته و قربانی اهداف خود نماید. این نگرانی هرچند بارها در گفت‌وگوهای رسانه‌ای با حضور نمایندگان امریکا مطرح گردیده است و آنان اطمینان داده‌اند، که هیچ معامله‌ای پنهانی در کار نیست؛ با آن هم شماری از نخبگان سیاسی و فعالین حقوق بشری نگران این موضوع بوده و آن‌را برای آینده‌ی کشور خطرناک می‌دانند.

به نظر می‌رسد که افغانستان در حال حاضر سخت‌ترین شرایط سیاسی و امنیتی خویش را به تجربه نشسته است. مردم افغانستان از یک‌سو با حکومتی مواجه‌اند، که نه توان مدیریت کشور را داشته و نه مشروعیت لازم برای بقا را دارد و از سوی دیگر با گروه دهشت‌افگنی چون طالبان طرف هستند، که کم‌ترین احترامی به حقوق بشر و کرامت انسانی نداشته و با تمام وجود در تلاش نابودی بنیادهای نیم‌بند دموکراسی و آزادی‌های مدنی در افغانستان می‌باشد.

در چنین فضای پیچیده و ابهام‌آمیز، به نظر می‌رسد که تنها راهکار معقول، رسیدن به اجماع سیاسی از طریق گفت‌وگوهای بین‌الافغانی است. گفت‌وگوهای که می‌تواند مسیرهای مشترک ملی را در سطوح مختلف فراهم ساخته و با استفاده از ظرفیت‌های داخلی و حمایت برخی کشورهای کمک‌کننده، زمینه‌های جنگ و خشونت را به فرصت‌های مهم ملی تبدیل نماید.

«شروع مذاکرات غیر مستقیم بین وزرای خارجهی افغانستان و پاکستان»

نخستین دور مذاکرات غیرمستقیم بین وزرای خارجهی افغانستان و پاکستان از تاریخ ۱۶ الی ۲۴ جون ۱۹۸۲ در ژنو شروع گردید. مذاکرات غیرمستقیم با شک و تردید و بی‌اعتمادی عمیق میان افغانستان و پاکستان، با میانجی‌گری معاون سرمنشی و نماینده‌ی شخصی وی کوردویز آغاز گردید. برگزاری و ادامه‌ی مذاکرات اهمیت مهمی برای پیدانمودن راه حل سیاسی داشت و هر نوع موضع‌گیری سخت‌گیرانه‌ی دوطرف می‌توانست مانع آغاز مذاکرات شود. نخستین‌روز مذاکرات غیرمستقیم میان شاه‌محمد دوست وزیر خارجه‌ی افغانستان و صاحب‌زاده یعقوب‌خان وزیر خارجه‌ی پاکستان و هیأت‌های همراه‌شان با میانجی‌گری کوردویز، قبل از ظهر و بعد از ظهر ۱۶ الی ۲۴ جون ۱۹۸۲، در مقر اروپایی سازمان ملل متحد در ژنو دایر گردید. باید متذکر شد که قبل مسوده‌ی حل‌وفصل مسایل مربوطه، در چهاربخش از جانب کوردویز تهیه و غرض مطالعه به دسترس نمایندگان دوطرف قرار داده شده بود. در اولین‌روز مذاکرات، تفاوت موضع‌گیری‌های دوجانب روی مسایل مطروحه نمایان گردید. جانب پاکستان ارتباط میان خروج قوای اتحاد شوروی و عودت مهاجرین را موضوع اساسی می‌دانستند و رابطه میان خروج قوا و عدم مداخله را رد می‌نمودند؛ ولی جانب افغانستان موضوع مداخله را قبل از هرچیزی دیگر با اهمیت می‌دانست؛ زیرا همین مداخلات عواقب ناگوار را به‌بار آورده بود و دلیل حضور قوای اتحاد شوروی هم از این بابت دانسته می‌شد. در مورد تضمین‌های بین‌المللی، پاکستانی‌ها طرف‌دار طرح تضمین‌های دوطرفه بود. به‌رحال اصل تضمین را پذیرفتند؛ ولی جانب افغانستان بر تضمین‌های بین‌المللی به قطع مداخله و عدم تکرار مجدد آن علیه افغانستان پافشاری می‌کرد؛ زیرا افغانستان دخالتی در امور داخلی پاکستان نداشت. در مورد مهاجرین، پاکستانی‌ها به این عقیده بودند، تا مهاجرین از طریق کمیشنی عالی پناهندگان سازمان ملل متحد آگاه ساخته شوند و به افغانستان برگردانده شوند؛ ولی جانب افغانستان معتقد بود که باید تمام تحولات به اطلاع مهاجرین با استفاده از رادیو و مطبوعات افغانی به شمول عودت آن‌ها رسانیده شود و پاکستان حق ندارد مهاجرین را از آگاهی و معلوماتی که جانب دولت افغانستان به آن‌ها می‌دهد و تماس می‌گیرد، موانع ایجاد نماید. جانب پاکستان مسایل سرحدی را به حیث بخشی از راه حل، مورد بحث قرار می‌داد و سرحدات پاکستان با افغانستان را مورد مناقشه نمی‌دانستند و ادعا می‌نمودند که سرحدات بین دوکشور عبارت از سرحدات موجود شناخته‌شده‌ی بین‌المللی می‌باشد.

جانب افغانستان اظهار می‌نمود، که موضوع سرحد بین افغانستان و پاکستان مسأله‌ای است، که سابقه‌ی تقریباً نودساله‌ی تاریخی دارد، حل این موضوع با مسایل موجود ارتباط ندارد و نمی‌توانند در چوکات موضوعات موجود، آن‌را مورد بحث قرار بدهند؛ چون در صلاحیت گفت‌وگوهای موجود نمی‌باشد.

طی دوران مذاکرات، کوردویز و تیم وی، بعد از شنیدن موضع‌گیری‌های هردو طرف، به‌طور جداگانه مسوده‌ی جدید اصلاح‌شده را، با در نظرداشت نظریات هردو طرف برای دور بعدی مذاکرات ترتیب می‌داد و به دیپلوماسی رفت‌وبرگشت بین اتاق‌های هم‌جوار وزرای خارجه‌ی افغانستان و پاکستان ادامه می‌داد. این مذاکرات هفت‌ساله، از یک‌جانب از موثریت لازم برخوردار نبود و از جانب دیگر ادامه‌ی آن با میانجی‌گری کوردویز به هیچ‌وجه به نفع ج.د.ا. واقع نمی‌شد. جانب افغانستان از آغاز تا انجام بر ضرورت عاجل مذاکرات مستقیم بین نمایندگان دولت افغانستان و دولت پاکستان تأکید می‌نمود. گرچه جانب افغانستان، رول و نقش سازمان ملل متحد را رد نمی‌نمود، ولی یکی از اهداف صلح‌جویانه‌ی سازمان ملل متحد و نماینده‌ی سرمنشی را در مذاکرات، تلاش برای نزدیک‌ساختن مواضع طرفین و کشاندن آن‌ها برای مذاکره‌ی مستقیم می‌دانست.

برداشت شاه‌محمد دوست وزیر امور خارجه‌ی و این‌جانب در تمام مذاکرات این بود، که با وصف این‌که ملل متحد و نماینده‌ی آن تلاش‌های دوام‌داری را برای پیدانمودن راه‌حل موضوع افغانستان می‌نمود؛ ولی روی هر دلیلی که نزد آن‌ها وجود داشت، تمایل جدی نداشتند تا مذاکرات مستقیم میان دوطرف صورت گیرد؛ زیرا در آن‌صورت ممکن نقش و رول این سازمان و فرستاده‌ی خاص آن برجسته نمی‌بود و هم هدف کشورهای که در امور داخلی افغانستان دخالت داشتند در مذاکرات مستقیم برآورده نمی‌شد؛ لذا مذاکرات تا دورنهایی و امضای موافقت‌نامه‌ها بین افغانستان و پاکستان با میانجی‌گری کوردویز صورت گرفت که این خود یکی از کمبودها و نقایص جدی در جریان مذاکرات بود و نتوانست اساس خوبی برای حل صلح‌آمیز مشکل افغانستان باشد.

منبع: از پادشاهی مطلقه‌الی سقوط جمهوری دموکراتیک افغانستان، عبدالوکیل، انتشارات عازم، چاپ دوم، صص ۱۱۵-۱۱۷

جشن استقلال زیر سایه‌ی ناامنی و جنگ

امیرپنهایان |

چهارشنبه‌شب هفته‌ی گذشته، کابل شاهد برگزاری جشن باشکوهی به‌منظور تجلیل از صد سالگی استقلال کشور و افتتاح قصر دارالامان بود. در این جشن که مقامات بلندپایه‌ی حکومتی به شمول رییس‌جمهور غنی و شماری از دیپلمات‌های خارجی مقیم کابل حضور داشتند، پرچم افغانستان به‌عنوان نماد وحدت ملی کشور به اهتزاز در آمد. این جشن قرار بود در روز دوشنبه‌ی هفته‌ی گذشته، درست در روز صد سالگی استقلال افغانستان برگزار گردد، اما به خاطر حرمت‌گذاشتن به شهدای حمله‌ی تروریستی بر یک سالن عروسی در نزدیکی این قصر، به مدت سه‌روز به تعویق افتاد.



انتخابات ریاست‌جمهوری پیش رو، در فضای مجازی و حقیقی از جشن استقلال و دست‌آوردهای حکومت تبلیغ می‌کردند. آنان تجلیل از سال‌روز استقلال کشور را ناب‌ترین برنامه‌ی حکومت عنوان نموده و از آن حمایت می‌کردند. اما شماری از مخالفان رییس‌جمهور، این جشن و افتتاح قصر دارالامان را برنامه‌ی کمپانی خوانده و از آن انتقاد نمودند. محمد محقق، در صفحه‌ی فیسبوک‌اش برگزاری این جشن را توهین به خوی شهدا و به تمسخرگرفتن وجدان عمومی خوانده و آن را نکوهش کرد. او افزود: «برگزاری برنامه‌ی رقص و پای‌کوبی در سومین شب از شهادت مردم بی‌گناه در سالن عروسی شهر دوبی، بی‌حرمتی به خون شهدا و توهین به مردم افغانستان است.»

این ادعاها در حالی مطرح می‌گردد، که رییس‌جمهور غنی احیای قصر دارالامان را دست‌آورد مهم تاریخی و

چهارشنبه‌شب هفته‌ی گذشته، کابل شاهد برگزاری جشن باشکوهی به‌منظور تجلیل از صد سالگی استقلال کشور و افتتاح قصر دارالامان بود. در این جشن که مقامات بلندپایه‌ی حکومتی به شمول رییس‌جمهور غنی و شماری از دیپلمات‌های خارجی مقیم کابل حضور داشتند، پرچم افغانستان به‌عنوان نماد وحدت ملی کشور به اهتزاز در آمد. این جشن قرار بود در روز دوشنبه‌ی هفته‌ی گذشته، درست در روز صد سالگی استقلال افغانستان برگزار گردد، اما به خاطر حرمت‌گذاشتن به شهدای حمله‌ی تروریستی بر یک سالن عروسی در نزدیکی این قصر، به مدت سه‌روز به تعویق افتاد.

برگزاری این جشن واکنش‌های زیادی را به همراه داشت. هواداران رییس‌جمهور غنی در حکومت کنونی و شماری از هواداران تیم دولت‌ساز در

تمدنی برای حکومت و مردم افغانستان دانسته و آن‌را گامی در راستای غنای تمدنی تاریخی افغانستان می‌داند. این جشن در حالی برگزار شد، که شنبه‌شب هفته‌ی گذشته کابل شاهد یک روز خونین بود. حمله‌کننده‌ی انتحاری با داخل‌شدن در یک سالن عروسی واقع در قلعه‌ی بهادرخان شهر کابل و در نزدیکی قصر دارالامان، مواد همراه‌اش را منفجر ساخت. در این حمله بنا بر گزارش‌های رسمی، تعداد ۸۰ نفر کشته و بیش از ۱۸۰ نفر زخمی شدند.

این حمله‌ی خونین واکنش‌های زیادی را به همراه داشت. چهره‌های سیاسی مخالف حکومت، فعالین مدنی، نهادهای خارجی مقیم کابل و شماری از مقامات بلندپایه‌ی کشورهای همسایه نسبت به کشتار وحشت‌ناک در این محفل عروسی واکنش نشان دادند و آن‌را جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی آشکار خواندند. دفتر ملل متحد در کابل، با نشر اعلامیه‌ای این حمله را جنایت علیه بشریت خوانده و از دولت افغانستان خواهان پی‌گیری عاملین آن گردید. ارگ ریاست‌جمهوری در یک پیام جداگانه، این حمله را نکوهش کرد و از حامیان بین‌المللی افغانستان خواست تا در قبال این فاجعه‌ی انسانی خاموشی اختیار نکرده و این حمله را در فهرست بدترین حملات تروریستی و فجایع انسانی شامل سازند.

همه‌ای این واکنش‌ها اما درد و هراس شهروندان کشور را التیام نداده و سقف بی‌بوری به حکومت وحدت ملی و نهادهای امنیتی را به شدت بالا برده است. مردم افغانستان نهادهای کشفی و سکتور امنیتی کشور را به بی‌پروایی و عدم خلاقیت در مدیریت و کنترل چنین فجایع غیرمترقبه و وحشت‌ناک متهم نموده و از آنان خواستار توجه و دقت بیشتر شده‌اند. به‌صورت مشخص این اولین باری است، که گروه داعش با حمله بر جمعیت غیرنظامی در یک محفل عروسی همه را هدف قرار داده و فضای جشن و شادی را به خاک و خون می‌کشانند. قبل از این رخداد، با آن‌که جمعیت غیرنظامی متعلق به گروه خاص قومی در افغانستان مورد حملات گروه موسوم به دولت اسلامی (داعش) قرار می‌گرفت، اما محل هدف و انفجار، مراسم عروسی نبود.

حملاتی از این دست نشان می‌دهد، که دشمنان افغانستان مصمم اند، تا از هر فرصت و امکانات استفاده نموده و مردم بی‌گناه را به قتل برسانند. قتل عام وحشیانه‌ی حمله‌ی اخیر در کابل، به وضوح نشان داد که جناح‌های تروریستی هیچ‌گونه پای‌بندی به اصول انسانی و اخلاقی نداشته و با تمام وجود در تلاش بسترسازی خشونت در کشور است.

از سوی دیگر نهادهای کشفی و استخباراتی به شدت مشغول چانه‌زنی‌های سیاسی بوده و کوچک‌ترین توجه به بهبود وضعیت امنیتی ندارند. براساس عرف پذیرفته‌شده‌ی حاکم در محیط بین‌الملل، نهادهای کشفی و استخباراتی حق ندارند در موضوعات سیاسی دخالت نموده و یا این‌که کسی بخواهد از این نهادها استفاده‌ی سیاسی کند. به این دلیل که دخالت در چانه‌زنی‌های سیاسی باعث می‌گردد تا این نهادها از وظایف اصلی‌شان که تامین امنیت است، دور مانده و درگیر سازوکارهای سیاسی شود. عمده‌ترین چالش کنونی این است، که نهادهای کشفی کشور هیچ‌گونه طرح مشخص برای بهبود اوضاع امنیتی و کشفی نداشته و کم‌ترین توجهی به اوضاع نابسامان کنونی ندارد.

در شرایطی که طرف‌های درگیر جنگ افغانستان، بر سر چگونگی صلح و تشکیل ساختار سیاسی در آینده، بساط گفت‌وگو پهن کرده‌اند، حکومت افغانستان مقدمات برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری را می‌چیند و تلاش دارد، مردم را برای شرکت در انتخابات تشویق و ترغیب کند. بنابراین مردم افغانستان در میان دو رخداد قریب‌الوقوع قرار گرفته‌اند؛ در یک‌طرف حرف از توافق احتمالی صلح میان نمایندگان امریکا و طالبان است و در طرف دیگر سرنوشت انتخابات به‌عنوان تنها مکانیزم انتقال مسالمت‌آمیز قدرت.

شایسته‌ی‌شان است، قرار می‌دهند. سوم: تجربه نشان داده است؛ هر زمانی که مردم افغانستان در چند جبهه درگیر بوده و یا در معرض دو رخداد متفاوت از هم قرار گرفته‌اند، به دلیل عدم اجماع داخلی، بازنده‌ی اصلی میدان بوده‌اند. اکنون وضعیت چنین است. از یک‌طرف مردم در چند جبهه درگیر اند و هم‌زمان با چند چالش بنیادبرانداز دست و پنجه نرم می‌کنند و از جانب دیگر دو پروسه‌ی متفاوت از هم که هرکدام موافقان و مخالفان داخلی و بین‌المللی خودش را دارند، انتخاب را برای مردم افغانستان سخت و دشوار کرده است. شاید به همین خاطر است، که تا این جای کار، زیر پوست این دو پروسه، یک جنگ تمام‌عیار جریان داشته و مدیران هردو پروسه تلاش کرده‌اند، تا زمینه‌های عملی‌شدن یک‌دیگر را محدود و محدودتر کنند. در یک جمع‌بندی می‌توان گفت، که در این گیرودار آن‌چه از نظر انداخته شده و به آن توجه نشده است،

نقش و اراده‌ی مردم نسبت به این پروسه‌هاست. اکنون که در یک طرف نهمین‌دور گفت‌وگوهای صلح در جریان است و در جانب دیگر آخرین ماه کارزارهای انتخاباتی سپری می‌شود؛ حکومت و قشر سیاسی افغانستان باید تکلیف‌شان را روشن کنند. به این معنی که هم حکومت و هم قشر سیاسی نه از آدرس حکومت، قشر سیاسی یا جریان اپوزیسیون، بلکه از آدرس کشوری بنام افغانستان و همگام با شهروندان این سرزمین و زیر پرچم مردم، مطمئن‌ترین راه از میان این دو پروسه را شناسایی نمایند و سپس به‌صورت یک‌دست و یک‌پارچه با درنظر داشت ارزش‌های مردم‌سالارانه و دموکراسی به آن مسیر ادامه دهند. گزینه‌ی غیر از چنین اقدامی وجود ندارد. در وضعیت کنونی نه صلح واقعی و سراسری نهادینه می‌شود و نه انتخابات به‌عنوان مظهر اراده‌ی مردم تمثیل خواهد شد. بنابراین نوبت به مردم رسیده است، مردم باید تصمیم بگیرند و انتخاب کنند.



نوبت به مردم رسیده است، مردم باید...

سیاسی و هویتی در کشور چند برابر می‌شود و امکان مدیریت چنان وضعیتی سخت و دشوار است. با این اوصاف، کلید راه‌گشای وضعیت در دستان حکومت، قشر سیاسی است؛ که چگونه در آخرین فرصت‌های لازم بر سر چگونگی عبور از بُن‌بست کنونی در کنار هم‌دیگر قرار می‌گیرند و به مردم افغانستان امکان آن را میسر می‌سازند، تا به‌عنوان صاحبان اصلی پروسه‌های صلح انتخابات، پا پیش بگذارند و کشورشان را در مسیری که

اما از آن‌جایی که شهروندان این سرزمین به جزئیات گفت‌وگوهای صلح دست‌رسی ندارند، این پروسه را با استرس و نگرانی دنبال می‌کنند. همین‌طور عدم تعهد حکومت و کمیسیون‌های انتخاباتی، مردم را نسبت به برگزاری شفاف انتخابات ناامید ساخته و آنان را در هراس این رخداد احتمالی انداخته، که اگر انتخابات به صورت شفاف، فراگیر، آزاد و همه‌شمول برگزار نشود و نتیجه‌ی آن مورد دست‌برد قرار گیرد، در این صورت شکاف‌های

چرا تلاش‌های آشتی جویانه‌ی کنونی نتیجه‌بخش نیست؟

در چرخاب فساد غرق گردید و یا در چرخه‌های پولی دوباره به کشورهای مبدا برگشت.

بنا به سروی که از سوی اداره‌ی احصائیه‌ی مرکزی صورت گرفته است، ۵۴ فیصد از مردم زیر خط فقر قرار دارند. ناامنی عامل عمده‌ی فقر است؛ اما فقر باعث توسعه و گسترش دامنه‌ی ناامنی می‌گردد. بخشی از نیروی جنگی گروه‌های درگیر در کشور به دلیل فقر و نبود کار به این گروه‌ها پیوسته است. گروه‌های تروریستی از درون چنین طبقه‌ی از جامعه که در فقر و بی‌سوادی به سر می‌برند سربازگیری می‌نمایند. لذا زمانی صلح می‌تواند پایدار باقی بماند، که مشکل فقر حل گردیده باشد و برای سرباز جنگی این گروه‌ها به جای جنگ کردن شغل با درآمد متناسب به وضعیت‌شان وجود داشته باشد.

فساد اداری: فساد در ادارات دولتی یکی از چالش‌های بزرگ سد راه مردم افغانستان است. رهبری حکومت وحدت ملی در خصوص مبارزه با فساد اداری ناکام بوده است. در دوره‌ی حکومت آقای غنی فساد اداری یک روند رو به رشد را طی کرده است. اثرات این گونه فساد در درون ادارات دولتی تاثیر مستقیم روی توده‌های جامعه داشته و به خصوص فساد در بخش ارگان‌های امنیتی و قوه‌ی قضائیه باعث گردیده است، تا گروه‌های درگیر جنگ از این وضعیت به سود شان استفاده نمایند. فساد در محاکم محلی عملن زمینه‌ساز حضور نیروهای طالبان در مناطق می‌گردد و همین‌طور بارها گزارش شده است، که سنگر نیروهای امنیتی به دلیل نرسیدن مهمات و امکانات سقوط نموده است. لذا برای استمرار و پایداری صلح لازم یک حکومت عاری از فساد و قانون‌محور شکل بگیرد.

افغانستان، این سرزمین را عملن به میدان مبارزه برای حریفان خویش مبدل نموده‌اند. برای جلوگیری از هزینه‌های بزرگ انسانی و مادی جنگ در داخل کشورهای‌شان بهترین راه ممکن و کم‌هزینه، استفاده از فرصت‌های مناسب به وجود آمده در افغانستان است. لذا بخشی از جنگ جاری در کشور بر سر تضاد منافع کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ در افغانستان می‌باشد.

مواد مخدر: چندین دهه جنگ و خون‌ریزی در این سرزمین، فضای مناسب را برای کشت و قاچاق مواد مخدر مهیا ساخته است. اکنون افغانستان در صدر بزرگ‌ترین کشورهای تولیدکننده مواد مخدر در جهان قرار دارد. از تولیدکنندگان تا قاچاق‌بران بزرگ و مصرف‌کنندگان مواد مخدر، که یک سلسله‌ی به هم پیوسته را تشکیل می‌دهد، دارای یک سازمان منسجم بوده که در کنار تولید و قاچاق مواد مخدر دارای گروه‌های مسلح نیز است، که از آن برای فراهم‌سازی زمینه‌های تولید و قاچاق این مواد استفاده می‌کند. این گروه‌ها خارج از همین گروه‌های تروریستی که عملن در جنگ افغانستان دخیل هستند، نیست. یکی از منابع عمده‌ی تمویل و تجهیز همین گروه‌ها قاچاق مواد مخدر است. لذا یکی از عوامل عمده‌ی جنگ و مانع برای رسیدن به صلح پایدار کشت و قاچاق مواد مخدر می‌باشد.

فقر: جنگ و فقر دو پدیده‌ی ناخوشایند است، که بر زندگی مردم سایه افکنده است. متأسفانه حکومت از حضور نیروهای خارجی و کمک‌های میلیارد دلاری آن‌ها استفاده‌ی بجا نتوانست. دیده می‌شود، که هیچ‌گونه استفاده‌ی موثر از این پول‌ها در ساختن و تکمیل زیربنای اقتصادی نشده است، این پول‌ها یا

کنترل‌شده از بیرون) هستند تا تطبیق شریعت اسلامی، بلکه دین همیشه ابزاری برای رسیدن به اهداف‌شان بوده است. چنانچه که یکی از مذاکره‌کنندگان همین گروه در قطر به سابقه کمونیستی متهم است، در حالی که بیشتر از هر دین‌دار دیگری تظاهر به دین‌باوری می‌نمایند. بخشی از جنگ کنونی در کشور نشأت گرفته از همین تفکر است، که به گونه‌ی تزریقی برای نیروهای این گروه القا می‌شود. اگر طرف‌های درگیر در مسئله‌ی افغانستان و مشخصن حکومت به دنبال صلح است، باید زمینه‌های تفکر طالبانی را از بین ببرد. مراکز دینی که این اندیشه را تبلیغ می‌نمایند را مسدود نموده و نصاب درسی مدارس دینی، مکاتب و دانشگاه‌های کشور را اصلاح کند، تا زمینه‌ی جنگ به لحاظ عقیدتی از میان ببرد.

جنگ استخباراتی: تجربه نشان داده است؛ به هر اندازه‌ی که جنگ طولانی‌تر می‌شود، ابعاد مختلف پیدا کرده و دامنه‌ی آن گسترده‌تر می‌گردد. از زمان شکل‌گیری جغرافیای به‌نام افغانستان، جنگ و درگیری بر سر قدرت میان طبقه‌ی حاکم جریان داشته، که این درگیری در چند دهه اخیر ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی پیدا نموده است. موقعیت جیوپولیتیکی افغانستان سبب شده است، تا این کشور به صحنه‌ی آشوب و درگیری میان کشورهای ذی‌نفع در منطقه تبدیل گردد. به خصوص بعد از سقوط فروپاشی امارت طالبان و دخیل شدن مسقیم ایالات متحده‌ی امریکا و ناتو در جنگ افغانستان، شبکه‌های استخباراتی کشورهای منطقه بیشتر فعال گردیده و طبق آمارهای که ارایه می‌گردد حدود بیست سازمان و گروه تروریستی در کشور فعالیت دارند، که هر کدام از این گروه‌ها از سوی همین شبکه‌های استخباراتی منطقه و قدرت‌های بزرگ جهانی تمویل و تجهیز می‌گردند. شبکه‌های استخباراتی کشورهای دخیل در مسایل

دور نهم گفت‌وگوهای صلح میان نمایندگان امریکا و طالبان در دوحه‌ی قطر آغاز شده است. قبل از این، هشت دور مذاکرات میان هر دو طرف دایر شده بود، که بر خلاف انتظارات مردم، نتیجه‌ی ملموس و قابل قبولی به همراه نداشت. گزارش‌ها می‌رساند، که در این دور از گفت‌وگوها دو طرف در مورد حضور یا عدم حضور نیروهای استخباراتی امریکا در افغانستان، آزادی زندانیان طالبان و چگونگی امضای توافق‌نامه‌ی صلح بحث و گفت‌وگو می‌نمایند. در حالی که قرار است، برآیند این گفت‌وگوها میان نمایندگان امریکا و گروه طالبان، برقراری صلح و ثبات در افغانستان باشد؛ تا این دم اما حکومت وحدت ملی و مردم افغانستان در این بازی سرنوشت‌ساز حضور نداشته و صرفن نظاره‌گر اوضاع اند. در این میان آنچه واضح است، این که روند کنونی مذاکرات صلح بدون در نظرداشت دیدگاه و نظریات مردم و حکومت افغانستان منتج به صلح واقعی و قطع جنگ در این سرزمین نخواهد شد. در واقع بازی در پیش گرفته‌شده بنام روند صلح افغانستان بیشتر شبیه به مذاکرات ژنو در جریان سال‌های ۱۹۸۲ - ۱۹۸۸ میلادی است، که در آن امریکایی‌ها، پاکستانی‌ها و مجاهدین برای سرنوشت مردم افغانستان تصمیم می‌گرفتند. اکنون نیز وضعیت چنین به نظر می‌رسد؛ مذاکرات دوحه در واقعیت امر میان امریکایی‌ها، جانب طالبان و حامیان منطقه‌ی و بین‌المللی این گروه بر سرمنافع‌شان در منطقه است، نه برای آزادی، آرامی و ثبات افغانستان. بنابراین، برآیند این گفت‌وگوها هر چیزی که باشد، آینده‌ی کشوری مستقل بنام افغانستان در آن روشن به‌نظر نمی‌رسد.

از جانب دیگر دلیل اساسی نادیده گرفته‌شدن مردم و حکومت در گفت‌وگوهای صلح به عملکرد نادرست حکومت وحدت ملی بر می‌گردد، که در پنج‌سال گذشته توانست اجماع داخلی و یک نظر واحد در امر پایان‌دادن به منازعه‌ی دیرپای کشور به میان آورد. به همین دلیل است، که یک گروه تروریستی در عرصه‌ی دیپلوماسی در سطح جهانی از یک حکومت به رسمیت شناخته‌شده‌ی بین‌المللی پیشی گرفته و از موضع قدرت در حال چانه‌زنی و مذاکره با امریکا می‌باشد. در حالی که طرف اصلی این گفت‌وگوها باید حکومت افغانستان باشد نه امریکایی‌ها و اپوزیسیون حکومت. اصولن باید مذاکرات صلح از سوی وزارت خارجه و دیپلمات‌های با تجربه و کارکشته‌ی این نهاد به پیش برده شود، نه از سوی فرماندهان جهادی، رهبران قومی و مذهبی؛ که شوربختانه رییس حکومت وحدت ملی بنا به مخالفت‌های درونی عملن وزارت خارجه را در مسایل کلان ملی و بین‌المللی غیرفعال نگهداشته است.

جنگ کنونی در کشور تنها جنگ گروه طالبان نیست. لازم است تا ابعاد و عوامل مختلف جنگ شناسایی گردیده، بعد به دنبال راه حل آن بر آمد. در مذاکرات کنونی، به نظر می‌رسد هیچ‌گونه زمینه‌ی عملی برای برقراری صلح و ختم منازعه دیرینه‌ی کشور بررسی نشده است. با این حساب سوال این است، که آیا روند که حالا تحت نام پروسه‌ی صلح جریان دارد باعث ختم جنگ خواهد شد؟ من فکر می‌کنم به دلایل مختلف که در ادامه به آن‌ها پرداخته خواهد شد، زمینه برای استقرار صلح پایدار در کشور آماده نیست.

جنگ ایدیولوژیک: گروهی که تحت عنوان تحریک اسلامی طالبان در اکتوبر سال ۱۹۹۴م شکل گرفت، نه بر مبنای برقراری شریعت اسلامی، بلکه انگیزه و مبنای شکل‌گیری این گروه چیزی دیگری بود. در حقیقت امر، زمانی که پاکستانی‌ها از مهره‌های مورد استفاده‌ی‌شان در به آتش کشیدن کابل ناامید شدند، گروه به نام طالبان با روپوش اسلام را طرح و تمویل کرد تا این پروژه را به اتمام برساند.

اکنون اما ظاهر قضیه متفاوت است. ماشین جنگی طالبان که از افراد عادی و جنگ‌جویان این گروه تشکیل شده، داعیه‌ی دینی دارند و آنچه واضح است، این که قرائتی را که این بخشی از طالبان از دین ارایه نموده/می‌نمایند، نه از سر آگاهی و علم بلکه آن‌چه را که مولوی‌های مدارس پاکستانی تحت نظارت ISI برای‌شان دیکته نموده، مطابق آن عمل می‌کنند. بخش محدود از نیروی دهشت‌افکن که در کشور می‌جنگد، به اعتقادشان افغانستان دارالکفر است و مبارزه‌ی‌شان در راه خدا و در برابر متجاوزین می‌باشد. اما در رده‌های بالایی این گروه‌ها مسئله خیلی واضح می‌باشد، آن‌ها بیشتر به دنبال قدرت (قدرت

